



## گفت و گو با دکتر عارف نوشاهی<sup>(۲)</sup>



من مخصوصاً الآن روی ترقیمه‌ها زیاد توجه دارم، چون این ترقیمه‌ها از نظر شناخت نسخه‌ها مهم است و بعضی ترقیمه‌ها واقعاً بسیار جالب هستند، مثلاً یک نسخه‌ای از تذکره ریاض الشعرا - از واله داغستانی - ما در پاکستان

داریم که کاتبش در ترقیمه می‌نویسد که هر دو دست من بریده بود که من این نسخه را نوشتم؛ خب این مطلب خیلی جالب است؛ کسی که دستهایش بریده است، چه طور این تذکره مبسوط را که در پنج جلد اخیراً چاپ شده، کتابت کرده است. من دنبال شرح حال این کاتب گشتم تا ببینم چه طور شده که دستهای او را بریده‌اند و این مطلب را نهایتاً پیدا کردم که این شخص، منشی یکی از امیران سند بوده و مهتری که از آن امیر در اختیار این منشی بوده، از آن مهر سوءاستفاده می‌کرد یعنی برای مردم نامه یا احکامی می‌نوشت و از این مهر سوءاستفاده می‌کرد و امیر مذکور متوجه این مطلب شد؛ اول او را تنبیه کرد که این کارها را نکن اما این منشی ادامه داد؛ بار دوم و بار سوم هم وقتی این کار را تکرار کرد، امیر و اطرافیانش گفتند که چون این کار تو حکم دزدی را دارد باید دست‌های تو بریده شود و هر دو دستش را قطع کردند و بعداً نسخه‌های خطی را با پا می‌نوشت و این موضوع را در آن ترقیمه گفته است که من مقطوع‌الیدین هستم الآن و یک شعری هم آنجا نوشته که شعر فارسی است:

"من به بی‌دستی نوشتیم این کتاب معتبر  
آفرینم تا بخوانند مردم صاحب‌نظر"

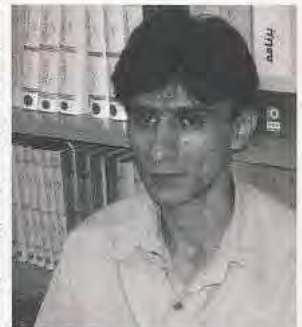
ببینید بعضی نکته‌های اینچنینی جالب است.

صفری: یعنی به عبارتی بعضی ترقیمه‌ها ممکن است که به حوادث تاریخی خاصی اشاره کند، یا اطلاعاتی را به ما منتقل کند

گزارش میراث: بخش اول گفت و گو با جناب آقای دکتر عارف نوشاهی کتابشناس برجسته پاکستانی در گزارش میراث قبلی چاپ شد. اینک ادامه آن را تقدیم می‌کنیم.

صفری: در گفتگوهایی که مثلاً با استاد احمد منزوی انجام شده، برای مثال گفتگویی که از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با ایشان انجام شده - و در ارج‌نامه‌ی ایشان نیز منتشر شد - سؤالاتی از ایشان شد که حاوی اطلاعات کلیدی و روش‌شناسانه در مورد فهرست‌نویسی و بخصوص فهرست‌نویسی دستنویس‌های خطی فارسی است که شما و ایشان هر دو در این زمینه صاحب‌نظر هستید. مصاحبه‌کنندگان به هر حال افراد خبره‌ای بودند و ظاهراً برخی سؤالات را هم از پیش تنظیم کرده بودند. حالا با توجه به اینکه جمع شدن اینگونه مصاحبه‌کنندگان نیاز به برنامه‌ریزی و فرصت دارد فکر می‌کنم، عجلتاً اگر شما با نظر خودتان به این موارد و ریزه‌کاری‌ها هم اشاره داشته باشید بد نباشد.

**دکتر نوشاهی:** بله در این کتاب من برخوردی که با نسخه‌های خطی داشتم یا موارد و نکاتی که معمولاً در فهرست‌ها نمی‌گنجد، به این مطالب بیشتر توجه داشتم. فهرست‌هایی که چاپ شده مثلاً فهرست موزه ملی کراچی، فهرست انجمن ترقی اردو کراچی و ممکن است در همین نسخه‌هایی که در آنجا دیده‌ام مطالبی بوده که در فهرست آنها نیامده یا آن موقع متوجه نبودم که اینها باید جزو فهرست باشد و یادداشت کرده بودم و الآن به صورت یک یادداشت علمی و فرهنگی در این کتاب خواهد آمد.



علی صفری آق قلعه

که ممکن است راهگشای ما در مسیر تحقیقات باشد، یا به روشن شدن موارد تاریخی کمک کند و شما در کتابتان به این موارد اشاره کرده‌اید؟

**دکتر نوشاهی:** بله. من آنجا در پاکستان به چند مورد از نسخه‌های خطی برخورد کردم که در ترقیمه‌ها نوشته بودند که ما این نسخه‌ها را در شرایط قحطسالی یعنی مواقعی که خشکسالی بوده، بی‌آبی بوده، هیچ چیزی هم برای خوردن پیدا نمی‌شده و ما مشغول شدیم به نوشتن این کتاب؛ یعنی در اینچنین حال و هوایی هم اینها به فکر نوشتن کتاب بودند یعنی چیزی برای خوردن و نوشیدن به دست نمی‌آوردند، اما کتاب می‌نوشتند. که این نکته از نظر کتابدوستی یا فرهنگ‌دوستی هم جالب است. همچنین چیزهایی در نسخه‌ها هست که معمولاً در فهرست نمی‌توان نوشت یا جا نمی‌شود و نمی‌توان زیاد بحث کرد.

**صفری:** آیا در کتاب شما راجع به نسخه‌های خاصی هم گفتگو شده؟

**دکتر نوشاهی:** بله. گاهی خیلی مشروح. بعضی نسخه‌ها را آنجا معرفی کردم. در فهرست‌ها معمولاً ما پایبند به یک چهارچوب یا اصول فهرست‌نویسی هستیم و نمی‌توان زیاد فهرست را به صورت مشروح نوشت، اما در این کتاب من برای بعضی آثار در حدود بیست صفحه معرفی نوشته‌ام و یا حتی بیشتر از این.

بیشتر این مطالب تابحال در جایی چاپ نشده و همه مطالب تازه هست و اولین بار است که چاپ خواهد شد.

علاوه بر کارهایی که ذکر شد، سه کار دیگر هم با میراث دارم که در زمینه فهراس و کتابشناسی است. من یک طرحی را؛ تقریباً از بیست و پنج سال پیش آغاز کردم و تاکنون روی آن کار کرده‌ام

و آن فهرست آثار چاپی فارسی شبه‌قاره است؛ محدوده زمانی آن از ابتدای چاپ در شبه‌قاره تا امروز است. ابتدا که می‌گویم منظور سال ۱۷۸۰ میلادی است که اولین کتاب فارسی در شبه‌قاره به اسم انشای هر کرن چاپ شده و ما از آن کتاب شروع کردیم تا امروز که هرچه در شبه‌قاره یعنی کتاب فارسی چه به صورت کتاب مستقل، چه به صورت متن در یک مجله چاپ شده و

**صفری:** به عبارتی هرچه که بتوان اسم متن یا متون بر آن نهاد.

**دکتر نوشاهی:** بله. متون که به هر شکلی

چاپ شده؛ چه در مجموعه، چه در مجله و چه به صورت کتاب باشد. علاوه بر آن متن‌هایی که با ترجمه چاپ شده است. این متن فارسی حالا ممکن است ترجمه فارسی، انگلیسی یا زبان محلی هم داشته باشد و متن اگر همراه آن باشد، آن موارد را هم آورده‌ایم که تقریباً حدود بیست و پنج هزار مدخل آماده شده برای این کار که الآن حروفچینی شده و داریم این را نهایی می‌کنیم.

**صفری:** این بیست و پنج هزار مدخل، حدوداً شامل چند عنوان می‌شود؟

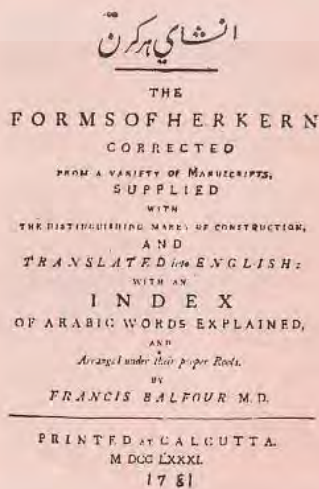
**دکتر نوشاهی:** حدود پانزده هزار عنوان می‌شود؛ یعنی از پانزده هزار عنوان کتاب، تقریباً بیست و پنج هزار چاپ داریم.

خب، این کتابشناسی از چند لحاظ حائز اهمیت است. یکی اینکه خود به خود یک تاریخ ادبیات فارسی در شبه‌قاره خواهد بود. خیلی از مؤلفانی که ما تا به حال نمی‌شناختیم به وسیله این کتابشناسی شناخته می‌شوند. استفاده دیگری که از این فهرست می‌توان کرد این است که بدانیم چه کتاب‌هایی از مؤلفان ایرانی در شبه‌قاره نفوذ بیشتری داشته‌اند، یعنی از تعداد ترجمه‌ها و شرح‌ها و چاپ‌ها و تیراژها می‌توانیم این موضوع را دریابیم؛ مثلاً گلستان سعدی ممکن است آنجا حدود پانصد بار چاپ شده باشد که مشخصات آن پانصد چاپ در اثر ما آمده و این خود نشانگر این است که این کتاب در آنجا خیلی رایج بوده و همچنین کتاب‌های دیگر مانند مثنوی مولانا یا دیوان حافظ. یک آماری هم آنجا خواهیم داد که از لحاظ محبوبیت و رایج بودن، چه کتاب‌هایی را آنجا مردم بیشتر می‌خواندند و چاپ می‌کردند.

این فهرست به صورت موضوعی تدوین شده یعنی آنها را طبقه‌بندی موضوعی کردیم و در این کار، طبقه‌بندی کتابخانه کنگره را در نظر داشتیم، البته با اجتهادهایی که با مشورت

دوستان، مخصوصاً با استاد ایرج افشار هم در این مورد مشورتی شده بود. بعضی موضوعات که در شرق و در این منطقه ما داریم، در لیست موضوعات کتابخانه کنگره نیامده و با ایشان مشورت شد و ایشان مشخص کردند که مثلاً فلان موضوع به چه موضوعی وابستگی دارد یا می‌تواند نزدیک به کدام موضوع باشد.

بنابر این، فهرست ما بر اساس چنین روالی تدوین شده بزرگ‌ترین بخش این فهرست، بخش ادبیات فارسی است که این خود به خود یک نشانه‌ای است که ادبیات فارسی در شبه‌قاره چقدر رواج داشته حدود



هزار صفحه‌ای از این فهرست متعلق به ادبیات فارسی است. این فهرست در حدود دو هزار و چهارصد صفحه الان حروفچینی شده و ما برای استفاده از این فهرست، حدود ده دوازده نمایه در نظر گرفتیم که آن هم باید در جلد چهارم بیاید که به کمک این نمایه‌ها استفاده از این فهرست بیشتر و بهتر امکانپذیر خواهد بود. علاوه بر نمایه‌های معمول که اسامی مؤلفان، کتب، اماکن و غیره را در بر می‌گیرد، یک سری نمایه‌های بخصوصی را هم ما در نظر گرفته‌ایم، مثلاً یک نمایه برای تاریخ تألیف کتاب‌ها هست که یک جدولی در دست باشد که نشان دهد قدیمی‌ترین کتابی که در این فهرست آمده متعلق به چه سالی است - البته از لحاظ سال تألیف خود اثر - و این عملاً یک تاریخ ادبیات فارسی مختص منطقه شبه‌قاره خواهد بود.

**صفری:** پس در اینصورت شما در زمان فیش‌برداری کتاب‌ها این موارد را هم در نظر داشته‌اید؟

**دکتر نوشاهی:** بله. این موارد را در نظر داشتیم یعنی تاریخ تألیف کتاب را ذکر کردیم و اگر تاریخ تألیف دقیقاً مشخص نبود، روزگار مؤلف را لاقلاً در آنجا ذکر کردیم تا مشخص باشد که فلان اثر در چه قرنی تألیف شده است. و همگی در آنجا ذکر شده است. **صفری:** بنده هنوز این کار را به صورت کامل ندیده‌ام اما بر اساس آنچه که دیده‌ام و ویراستار و صفحه‌آرای آن یعنی آقای احمد رضا رحیمی ریشه در توصیف آن گفتند باید این کار را اثر بسیار عظیمی محسوب کرد بخصوص که ما در کتاب‌های مختلف شاهد هستیم که به برخی چاپ‌های شبه‌قاره اشاره شده ولی مرجعی برای این ارجاعات در دست نداریم و تمام ارجاعات بر اساس خواننده‌ها و یا حتی شنیده‌ها است و به هر حال با فهرست شما اینگونه ارجاعات هم می‌تواند کاملاً مستند باشد علاوه بر اینکه مرجعی خواهد بود برای اینکه بدانیم کدام آثار در شبه‌قاره چاپ شده و احیاناً اگر نسخه‌های آنها از بین رفته باشد، لاقلاً امیدوار باشیم که چایی از آنها در دسترس خواهد بود.

**دکتر نوشاهی:** بله، چون ما تابحال هیچ فهرستی برای آثار چاپی فارسی شبه‌قاره نداشتیم، یعنی به صورت فهرست مستقل. تابحال در ایران برای چاپ‌های شبه‌قاره بیشتر به فهرست خانبابا مشار ارجاع می‌دادند؛ چون فهرست مشار را من در حین کار خود در دسترس داشتم و برای هر مدخلی که در مشار بود و من هم در فهرست خود آورده بودم، به آنجا مراجعه می‌کردم. مشخص شد که فهرست مشار متأسفانه در خصوص کتاب‌های شبه‌قاره اغلاط فراوانی دارد و نمی‌توان به آن فهرست اعتماد کرد. من چند نمونه در مقدمه فهرست خود آورده‌ام که خانبابا مشار چه اشتباهاتی را در خصوص کتاب‌های شبه‌قاره مرتکب شده. ایشان متأسفانه کتاب‌ها را مستقیماً رویت نکرده بودند. یا منابع دست

دوم بود، از فهرس دیگر بود از فهرس انگلیسی بود؛ آنهایی که از فهرس انگلیسی ترجمه شده، آوانویسی آن افتضاح است. کتاب چیز دیگری بوده و ایشان چیز دیگری نوشته‌اند، مخصوصاً آن مواردی که از انگلیسی ترجمه کرده‌اند، از فهرست کتاب‌های چاپی بریتیش میوزیوم یا ایندیافیس که اینها مشکل زیادی دارد. و من نظر خود را در مورد فهرست مشار در مقدمه فهرست ذکر کرده‌ام.

**صفری:** تا آنجایی که خاطر م هست، ظاهراً استاد افشار نقل کرده‌اند که این فهرست در آغاز اصولاً به شکل فهرست مؤلفین و مختلط با اسامی آثار آنها تألیف شده بوده که بعداً مرحوم تقی‌زاده آن را نمی‌پسندد و می‌خواهد که به صورت فهرست کتب تدوین شود و ظاهراً کار تبدیل فهرست مؤلفین را خانبابا مشار با سرعت و در طول چند ماه انجام داده است. استاد افشار در همانجا اشاره می‌کنند که خانبابا مشار پشتکار قابل ستایشی در این تبدیل به خرج داده که در زمان خود نیز قابل تقدیر بوده و سال‌ها نیاز محققین را لاقلاً به صورت موقتی رفع کرده که خب حالا با وجود فهرست شما علاوه بر تصحیح آن اشتباهات - که اصل در پژوهش هم همین صحت است - به میزان قابل توجهی به این مدخل‌ها هم افزوده شده.

**دکتر نوشاهی:** در فهرست‌نویسی اصول کار باید بر این اساس باشد که کتاب را خود فهرست‌نویس ببیند، یعنی مستقیماً کتاب را ببیند و خودش یادداشت‌برداری کند. هر جا نقل از منبع دست دوم باشد، امکان و احتمال اشتباه هست که در خصوص کتاب‌های شبه‌قاره در فهرست خانبابا مشار این اشتباهات بیشتر است چون کتاب‌ها را خودش ندیده بوده.

خب، این یک مورد از فهرسی که مرکز پژوهشی میراث مکتوب انتشار آن را به عهده گرفته؛ اما دو فهرست دیگر که ذکر شد، در زمینه نسخه‌های خطی است. یکی فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه پنجاب لاهور است. این دانشگاه قدمتی صدساله دارد در پاکستان و مجموعه‌های خصوصی نسخه خطی دارد، مجموعه‌هایی که اهدایی است و یک مقدار هم که خود دانشگاه خریداری کرده. از این مجموعه‌ها تا به حال فقط از دو مجموعه فهرست چاپ شده بود، یکی فهرست شیرانی بود در سه جلد، که مرحوم محمد بشیر حسین کار کرده بود و یکی هم مجموعه آذر بود که دکتر خضر نوشاهی تهیه کردند و چاپ شده. بقیه مجموعه‌های خصوصی تابحال اصلاً فهرست‌نویسی نشده بود که من در مدت سه سال، در تعطیلات تابستانی و زمستانی از زمان تعطیلات استفاده کردم و رفتم به لاهور و الان بیش از سه هزار نسخه در این فهرست شناسایی شده.

ادامه دارد